

---Name of Journal-----

Vol(issue), PP.

.atu.ac.ir

DOI:



ATU
PRESS

Original Research / Review / ...

Received:

Accepted:

ISSN:

eISSN:

Olfati Ibn-e- Hosseini Savaji and the Ravayeh-e- Golshan-e- Qutbshahi

Ali Reza Sha'banlu

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. alirezashabanlu@gmail.com

Abstract

Olfati Ibn-e- Hosseini Savaji is a Shiite poet of the 11th century AH in the court of Abdullah Qutbshah, who wrote poems in his praise and wrote two books for him, "Riyadh al-Sanaye –e- Qutbshahi" and Ravayeh – e- Golshan – e- Qutbshahi". Most biographers have considered the Ravayeh-e- Golshan-e- Qutbshahi to be from Olfati Yazdi, while according to historical evidence and style, it is from the works of Olfati Savaji and its attribution to Olfati Yazdi is incorrect. Ravayeh-e- Golshan is a short book containing an introduction and seven sections and a conclusion, which was written in 1051 with the prose mixed with poetry in the style of artificial and technical texts describing Abdullah Qutbshah and introducing the royal palaces and famous celebrations and beauties of Hyderabad. Olfati has focused his efforts on the phonetic balance of the text and the rhythm of the sentences. Therefore, using embellishments such as riming process and pun in the whole effect is impressive.

Keywords: Olfati Savaji, Abdullah Qutbshah, Ravayeh-e- Golshan –e- Qutbshahi, Artificial and Technical Prose.

الفتی بن حسینی ساوجی و روایح گلشن قطبشهی

دانشیار، پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، تهران، ایران. alirezashabanlu@gmail.com

علی رضا شعبانلو



چکیده

الفتی بن حسینی ساوجی شاعر شیعی سده یازدهم هجری در دربار عبدالله قطبشاه است که افزون بر اشعاری که در مدح وی سروده، دو رساله «ریاض الصنائع قطبشاهی» و «روایح گلشن قطبشهی» را نیز برای وی یادگار گذاشته است. روایح گلشن قطبشهی را اغلب تذکره نویسان از الفتی یزدی دانسته‌اند درحالی که بنا بر شواهد تاریخی و سبکی از آثار مسلم الفتی ساوجی است و انتساب آن به الفتی یزدی نادرست است. روایح گلشن، رساله‌ای کوتاه و مشتمل بر دیباجه و هفت رایحه و خاتمه است که با نثر آمیخته به نظم به سبک متون مصنوع و فنی در وصف عبدالله قطبشاه و معرفی خیل و خدم و لشکریان و کاخهای شاهی و جشنها و اعیاد معروف و زیبایی‌های حیدرآباد به سال ۱۰۵۱ نگارش یافته است. الفتی منتهای همت خود را بر توازن آوایی متن و موزونی جملات گماشته است. لذا بهره گیری از انواع سجع و جناس و دیگر آرایه‌های لفظی چون تتابع اضافات و تکرار در کل اثر چشمگیر است. وی از آرایه‌هایی چون مراعات نظیر و تضاد نیز برای ایجاد تناسب و توازن معنایی جملات استفاده کرده است.

کلیدواژه‌ها: الفتی ساوجی، عبدالله قطبشاه، روایح گلشن قطبشهی، نثر مصنوع و فنی.

۱. مقدمه

مهاجرت ایرانیان مسلمان به هند از زمان سلطان محمود آغاز شد و در اواخر سده هفتم توانستند در جنوب و مرکز هند حکومت‌های محلی تشکیل دهند «که جملگی آن‌ها پیوندهای نزدیک خونی و یا فکری با جامعه و فرهنگ ایرانی اسلامی شیعی داشتند» (الهی، ۱۳۸۱). سلسله قطشاهیان یکی از این حکومتها بود که توسط سلطان قلی تأسیس شد. وی فرزند ادیش قلی، حاکم همدان از قبیله قراقویونلو بود که «در عهد محمود شاه بهمنی به هند جنوبی می‌رود و به دربار بهمنیان راه می‌یابد و پس از چندی به حکومت "گولگنده" "ورنگل" می‌رسد و بعد از فوت محمود شاه بهمنی (۹۲۴هـ.ق) در گولکنده اعلان خود مختاری کرده و تا سال ۹۵۰ هـ.ق در نهایت اقتدار حکومت می‌کند» (رادفر، ۱۳۸۱). پس از سلطان قلی شش نفر به سلطنت رسیدند که ابولحسن تانا شاه، داماد عبدالله قطشاه آخرین آنان بود که با شکست خوردن وی در سال ۱۰۹۸ هـ.ق از اورنگ زیب، سلسله قطب شاهی منقرض شد. عبدالله قطشاه (۱۰۸۳-۱۰۳۵) پنجمین شاه سلسله قطشاهی است که «در روز دوشنبه بیست و هشتم شهر شوال سنه ثلاث و عشرين و الف [۱۰۲۳] متولد شد (صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱) و پدرش سلطان محمد قطشاه در سیزدهم جمادی الاول سنه هزار و سی و پنج هجری، در سن سی و چهار سالگی پس از چهارده سال سلطنت در گذشت و به موجب وصیت وی عبدالله «در شاه نشین قصر محمدی محل بر اورنگ سلطنت» (همان: ۲۴) نشست. در این هنگام، سن عبدالله قطشاه، یازده سال و پنج ماه و پنج روز بود و تا سال ۱۰۸۳ هـ.ق زنده بود و به مدت حدوداً ۴۸ سال سلطنت کرد. وی با سواد و علاقمند به تاریخ و ادبیات و شعر بود و از فن انشاء بهره‌ وافر داشت. «گاه گاهی واردات طبع اقدس را در سلک نظم می‌کشیدند و چند غزل و رباعی و ترکیب بندی در مرثیه حضرت سید الشهداء از آن خسرو علین مکان به یادگار مانده است» (همان: ۲۷). زمان سلطنت عبدالله یکی از درخشان‌ترین دوره‌های حکومت قطشاهی در هند بود و شاعران و نویسندگان و دانشمندان فراوانی از ایران بدانجا رفته بودند و در کمال رفاه و شادکامی می‌زیستند (همان: ۳۱۹) که الفتی ابن حسینی ساوجی از شاعران شیعه مذهب یکی از آنان بود.

الفتی ساوجی در ریاض الصنائع، خود را «الفتی ابن حسینی ساوجی» معرفی می‌کند و در اشعارش متخلص به «الفتی» است. نصرآبادی که در اواخر عمر الفتی او را در اصفهان دیده بود، می‌نویسد: «الفتی ولد حسینی ساوجی. طبعش در کمال شوخی و نمک بود. مدت‌ها در

هند به خدمت عبدالله قطب شاه بود. رساله‌ای در عروض و قافیه به اسم او تألیف نموده، در اواخر عمر به اصفهان آمده، در قهوه‌خانه جنب دارالشفاء قیصریه اصفهان با او ملاقات واقع شد. شعر همواری می‌گفت؛ اما خود را به از انوری می‌دانست. در آن اوقات فوت شد. این دو بیت از مثنوی اوست:

بود هر خُم می که خشتیش هست حکیمی ز حکمت کتابی به دست
می کهنه و نو سخنگو به هم یکی از حدوث و یکی از قدم

(نصرآبادی، ۱۳۱۷)

خوشگو در سفینه خود (کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۴۰۳)، سخنان نصرآبادی را تکرار کرده است ولی او را الفت ساوجی نامیده است. سراج الدین علی خان (آرزو) نیز همین سخنان نصرآبادی را، اندکی مختصرتر بازگفته است (آرزو، ۱۳۸۳). در تذکره روز روشن درباره وی آمده است: «الفتی ساوجی در دکن رسیده ملازم سرکار سلطان عبدالله قطب شاه گردید و رساله‌ای در عروض به نامش تألیف نموده جایزه وافر یافت و به وطن خود شتافت. از اوست:

ز ضعفم ای نسیم کوی جانان گر خبر داری چرا یک ره نیایی تا مرا از خاک
برداری
دمی آبی مخور از دهر گر آسودگی خواهی که می‌سوزی به سان شمع تا نم در جگر
داری»

(صبا، ۱۳۴۳)

تاریخ تولد الفتی مشخص نیست؛ اما زمان مرگ وی را تقریباً با اختلاف دو سه سال می‌توان مشخص کرد. نصرآبادی که تذکره خود را در سال ۱۰۸۳ همزمان با مرگ عبدالله قطبشاه آغاز کرده و در ۱۰۹۰ به پایان برده است در اواخر عمر الفتی، وی را ملاقات کرده و بنا بر نوشته نصرآبادی، الفتی در میان سالهای تألیف تذکره از دنیا رفته است. الفتی احتمالاً تا پایان عمر عبدالله قطبشاه (۱۰۸۳ ه.ق) در دربار وی بوده و بعد از وفات او، از هند به ایران بازگشته به اصفهان آمده و در آنجا مقیم شده و درگذشته است.

سند دیگری هست که نشان می‌دهد الفتی ساوجی بی‌گمان تا سال ۱۰۸۷ زنده بوده است. شخصی فاضل به نام محمد صادق تفرشی که نسخه شماره ۲۵۷۲/۱ ریاض الصنایع را در سال ۱۰۸۷ استنساخ و تصحیح کرده، در حواشی نسخه مطالبی از الفتی ذکر نموده و همه جا در

پایان مطالب نوشته است: منه دام افادته. این جمله دعایی نشان می‌دهد که الفتی در این زمان زنده بوده است. بدین گونه مشخص می‌شود که وی در میان سالهای ۱۰۸۷ تا ۱۰۹۰ دارفانی را وداع کرده است.

بنابر این الفتی به سال ۱۰۴۲ هجری از ایران به هند رفته و به سال ۱۰۴۵ هجری به دربار عبدالله قطبشاه راه یافته بود و تا سال ۱۰۸۳، سال مرگ عبدالله قطبشاه، در هند بوده و پس از آن به ایران آمده و در اصفهان مقیم شده و در آنجا در میان سالهای ۱۰۸۷ تا ۱۰۹۰ در گذشته است و احتمالاً در همان شهر به خاک سپرده شده است.

وی هنگام حضور در دربار عبدالله قطبشاه، ریاض الصنایع را به سال ۱۰۴۸ هجری و کتاب روایح گلشن قطبشاهی را در سال ۱۰۵۱ هجری به نام وی نوشته است.

ریاض الصنایع قطبشاهی، رساله‌ای است منظوم (دارای ۴۴۹ بیت) در عروض و صنایع بدیعی که در سال ۱۰۴۸ هجری سروده شده است. الفتی ساوجی، در این رساله مباحث عروض و قافیه و بدیع و بیان را به صورت منظوم در قالب مثنوی و در وزن «فاعلاتن مفاعلن فع لن» تعریف کرده است و نمونه و امثال بحور و اوزان را در قالب قطعه یا رباعی در همان وزنی که آن را معرفی می‌کند، آورده است و از علائم اختصاری برای آموزش بحرهای زحافات بهره برده است. الفتی برای روشن ساختن غموض برخی تعاریف که در قالب نظم به طور موجز بدانها اشاره رفته، «عبارت متن را به تقریر شرح خود ناطق ساخته» است.

الفتی افزون بر دو رساله فوق، دیوان اشعاری نیز دارد. «دیوانی در کتابخانه گنج بخش، از شاعری با تخلص الفتی از روزگار شاه جهان گورکانی در دست است. این دیوان که سراینده آن گویا همین الفتی ساوجی است دارای مثنوی‌های: چمن لطافت در ۶۷ بیت در وصف کشمیر، خوان ملاحظت در ۹۷ بیت با دیباجه‌ای به نثر آمیخته به نظم در ستایش شاه جهان، طرب نامه در ۶۰ بیت و قصایدی به نام‌های گلشن طراوت، نغمه درد، گلزار قدس، نشئه عشق و ... است که در آن شاه جهان و بزرگان دیگر دکن و قطب شاه را می‌ستاید» (رادفر و همکاران، ۱۳۹۷). شماره این نسخه vide.no/11362 است (mangeli, 2012). مثنوی‌ها و قصایدی را که رادفر متعلق به دیوان الفتی می‌داند اشعاری است که در روایح گلشن قطبشاهی آمده است.

رضیه اکبر (۱۳۵۲) نیز معتقد است الفتی افزون بر ریاض الصنایع و روایح گلشن، اشعار و قصایدی نیز در مدح عبدالله قطبشاه سروده است.

۲. پیشینه پژوهش

در زمانی که نگارنده در پی دستیابی به نسخه‌های خارجی ریاض الصنایع و روایح گلشن قطبشهی برای تصحیح بود، کتاب اخیر در ایران به سال ۱۳۹۱ با کوشش فرشته کوشکی در شماره ۱۶ مجله «پیام بهارستان» منتشر شد. نسخه ویراسته فرشته کوشکی، بر اساس نسخه شماره ۸۸۲۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی فراهم آمده است. با این که این نسخه، بسیار سالم و خوانا و مضبوط است و هیچ افتادگی‌ای در آن وجود ندارد، اما کوشکی اظهار داشته است که «صفحات ۲۳ - ۲۴ - ۴۳ و ۴۴ از نسخه موجود نیست» (الفتی یزدی، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد ایشان به نسخه اصلی دسترسی نداشته و از میکرو فیلم آن بهره برده که احتمالاً هنگام تصویر برداری چند صفحه از آن فراموش شده است. لذا آنچه که به نام روایح گلشن قطبشاهی از سوی فرشته کوشکی منتشر شده است دارای دو سه ایراد است یکی این که به نام الفتی یزدی است دیگر این که چهار صفحه از کتاب را ندارد و سوم این که بر اساس یک نسخه ویرایش شده است.

روایح گلشن قطبشهی پس از این در سال ۲۰۱۵، بار دیگر از سوی ادب دوستان مورد توجه قرار گرفت و در دانشگاه دهلی به عنوان رساله دکتری تصحیح شد که مشخصاتش به شرح زیر است.

Nazneen (2015) Critical Edition of "Ravaeh-e-Gulshan-e-Qutab Shahi" of Ulfati Saoji. Supervisor: Dr. Rajinder Kumar. Th. 21330.

بر اساس اطلاعاتی که در سایت دانشگاه دهلی آمده؛ این رساله در چهار فصل تدوین شده است. فصل اول: مقدمه؛ فصل دوم: وضعیت ادبی و فرهنگی در دوره قطب شاهی؛ فصل سوم: زندگی نامه و آثار الفتی ساوجی؛ فصل چهارم: ویرایش انتقادی روایح گلشن قطب شاهی الفتی ساوجی.

<http://crl.du.ac.in/Doc.Bib/2015/Persian.pdf>

افزون بر این که نوشتیم، هیچ اطلاعی از این پایان نامه به دست نیامد لذا مشخص نیست که بر اساس چند نسخه تصحیح شده است.

افزون بر منابع فوق، محمد صادق بصیری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «الفتی ساوجی و آثار او» الفتی را معرفی کرده و ریاض الصنایع و روایح گلشن قطبشهی را از وی دانسته‌اند ولی سه نسخه از ریاض الصنایع و یک نسخه از روایح گلشن را در دست داشته‌اند و بیشتر به

معرفی ریاض الصنائع توجه نموده‌اند و از روایح گلشن قطبشهی در حد یک صفحه سخن گفته‌اند که آن هم در برخی مواقع اشتباه و ناقص است.

نوشته‌اند: «رایحهٔ اول و ششم ساقی نامه‌ای مشتمل بر ۵۹ بیت است».

چنین نیست، بلکه رایحهٔ اول «نکتهٔ ریاض دولت» نام دارد و در توصیف اخلاق و اوصاف عبدالله قطبشاه به نثر نگاشته شده و در میان نثر از شعر نیز بهره یافته است.

نقل کرده‌اند: «رقم نگار اتمام این خجسته فرجام می‌گردد به این رباعی...:

از روی حساب زیور حسن سخن تاریخ شده چون نام این رشک سخن»

اصل چنین است: «رقم نگار سال اتمام این خجسته فرجام می‌گردد به این رباعی...:

از روی حساب «زیور حسن» سخن تاریخ شده چون نام این «رشک چمن» (الفتی، نسخه ۸۸۲۲ مجلس).

نقل کرده‌اند:

شهی که گشته به عونش علی ولی الله همیشه ورد عوام و همیشه ذکر خواص که درست این است:

شهی که گشته به عونش علی ولی الله همیشه ورد خواص و مدام ذکر عوام (الفتی، نسخه ۸۸۲۲ مجلس).

نقل کرده‌اند:

«ارقام مُشک آیین منقبت... می‌گردد همیشه بهار... چون گلشن...، و جان اصحاب علم... و بر گردن اندیشه لازم یافت که شمّه‌ای از شمایم وصفش تقریر کند».

صورت صحیحش این است:

«ارقام مُشک آگین منقبت... می‌گردد به همیشه بهار... چون روایح گلشن...، و همیشه جان اصحاب علم... و بر گردن اندیشه ثابت یافت که شمّه‌ای از شمیم گلشن وصفش تقریر کند (الفتی، نسخه ۸۸۲۲ مجلس).

۳. روایح گلشن قطبشهی

نصرآبادی، خوشگو، آرزو و محمد مظفر حسین صبا، هنگام ذکر احوال الفتی ساوجی به روایح گلشن قطبشهی اشاره‌ای نکرده‌اند. اما صوفی ملکاپوری (۱۳۲۹) در تذکرهٔ محبوب

الزمن از روایح گلشن قطبشهی نام برده ولی آن را به الفتی یزدی منتسب کرده است. گلچین معانی به نادرستی سخن صوفی در انتساب روایح گلشن قطبشهی به الفتی یزدی پی برده و به این نکته اشاره کرده است: «در تذکره محبوب الزمن (ص ۱۷۴-۱۶۶) ترجمه دقیقی از او مسطور است، ولی الفتی ساوجی اشتبهاً یزدی عنوان شده است» (گلچین معانی، ۱۳۶۹). با آن که نویسنده محبوب الزمن، به درستی از خزانه عامری نقل کرده است که الفتی یزدی در خدمت علیقلی خان زمان به سر می برد (صوفی ملکاپوری، ۱۳۲۹) ولی به این نکته توجه نکرده است که «علی قلی خان زمان، از عمده امرای اکبری بوده» (آزاد بلگرامی، ۱۸۷۱) که در سال ۹۷۴ هجری به قتل آمده است. از سوی دیگر توجه نکرده است که الفتی یزدی با آن که در هنگامه قتل خان زمان، از جان امان یافت» (همان) ولی اجل امانش نداد (گلچین، ۱۳۶۹) و در همان سالها در گذشت.

اشتباه صوفی به دیگر کتب نیز سرایت کرده است. از جمله محی الدین قادری (۱۳۸۶) در کتاب «میر محمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند» سخنان وی را عیناً نقل کرده و اقرار می کند که کتاب روایح گلشن قطبشهی را ندیده است. کسانی چون مجتبی کرمی در کتاب «نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن»، صفحه ۸۴ و امیر حسن عابدی در مقاله «زبان و ادبیات فارسی در هند» همین اشتباه را تکرار کرده اند و ریاض الصنائع و روایح گلشن را به الفتی یزدی نسبت داده اند و فرشته کوشکی نیز روایح گلشن قطبشهی را به نام الفتی یزدی ویراسته و منتشر کرده است.

نابی در تاریخ ادبیات هند و فارسی، الفتی حسین ساوجی را با اتکا بر گفته های نصرآبادی معرفی کرده و نوشته «الفتی اشعاری در ستایش ساختمانهای زیبایی که توسط عبدالله قطبشاه و اجدادش ساخته شده بود و پایتخت (حیدرآباد) را برای بازدید کنندگان جذاب و شگفت آور می کرد، سروده است. بناهایی مانند گگن محل، سجن محل، لعل محل، داد محل و ساختمانهای بزرگی در اشعار الفتی ذکر شده اند که نتوانستند در برابر ویرانی روزگار تاب بیاورند» (Nabi, 2001). نابی نگفته که مطالب مربوط به وصف شهر حیدرآباد را از کجا نقل کرده است اما با توجه به این که از روایح گلشن قطبشهی به عنوان یکی از آثار الفتی نام برده، ممکن است از همین کتاب اخذ کرده باشد.

افزون بر این دلایل تاریخی که انتساب روایح گلشن قطبشهی را به الفتی ساوجی تأیید می‌کنند، مشابهت‌های سبکی ریاض الصنایع و روایح گلشن و استفاده از ترکیبات و عبارات مشابه نیز نشان از یگانگی مؤلف این دو اثر دارد. فقرات زیر از آن جمله است:

۱ الف) القصه چون اتمام صحیفه از زبر و بینه‌اش مبین و هویداست اگر به اتمام صحیفه قدم قلم نگهدارد بجاست (ریاض الصنایع).

۱ ب) یعنی از بینه اسم خجسته کتاب؛ و قصر همایون سلطنت از زبر بام کلام عالی القابش یعنی از زبر نام فرخنده صحیفه هویداست (روایح گلشن).

۲ الف) اسم که از قلب سما به حکم الأسماء تُنزل من السماء، نازل شده اگر نقش خاتم خاتمه گردد خوش نماست (ریاض الصنایع).

۲ ب) حروف خجسته نامش سلطان عبدالله و لقب فرخنده فرجامش قطبشاهان زمان به مقتضای «الاسماء تنزل من السماء» اثنا عشری نازل شده (روایح گلشن).

۳ الف) و این گلزار چمن فیض را از طراوت بخشی بهار اسم همایون اشرف خواقین جهان، و اعدل سلاطین زمان، سلطان الاعظم الاکرم شاه عبدالله غیرت‌فزای ریاض جنان نموده به ریاض الصنایع قطبشاهی موسوم ساخت (ریاض الصنایع).

۳ ب) اما بعد. این گل‌دسته چمن فیض که از ریاض مبدأ فیاض، نامی و گرامی به رنگین خطاب روایح گلشن قطبشهی گردیده؛ معطر به هفت رایحه است (روایح گلشن).

۴ الف) از بینات نام فرخنده انجامش السلطان عدل مبین و هویداست (ریاض الصنایع).

۴ ب) حروف خجسته نامش سلطان عبدالله و لقب فرخنده فرجامش قطبشاهان زمان (روایح گلشن).

۳،۱. معرفی نسخه‌های روایح گلشن قطبشهی

۱. نسخه شماره ۸۸۲۲ مجلس شورای اسلامی.

این نسخه در ۹۵ برگ (۱۸۹ صفحه)، به ابعاد ۱۲/۷ در ۲۳/۳، در ۸ سطر درون جدولی به ابعاد ۵/۷ در ۱۲/۴، با خط نستعلیق در سده یازده استنساخ شده است.

۲. نسخه شماره ۹۰۱ مجلس شورای اسلامی.

مجموعه است که ر ساله نوزدهم آن روایح گلشن قطبشهی است. در آغاز ر ساله نوشته است: دیباجه‌ای که مولانا الفتی به اسم عبدالله قطبشاه فرمانفرمای حیدر آباد نوشته. این نسخه با خط نستعلیق نگارش یافته و تاریخ کتابت مجموعه ذیحجه الحرام ۱۰۸۲ است.

۳. نسخه شماره ۳۹ د - حقوق، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

یک صفحه از آغاز و چندین صفحه از میانه و آخر این نسخه - از میانه رایحه ششم تا پایان کتاب - افتاده است و بر گهای کتاب نیز به صورت آشفته صحافی شده است. این نسخه از لحاظ ابعاد کتاب، طول و تعداد سطور، نوع خط، جدولبندی صفحات، نوع مرکب، نحوه نگارش عناوین و غیره بسیار به نسخه شماره ۸۸۲۲ مجلس شبیه است و احتمالاً کاتب هر دو نسخه یک نفر بوده یا این که یکی از روی دیگری استنساخ یافته است.

۴. یک نسخه دیگر از روایح گلشن قطبشهی با مشخصات ۱۳۵۸.م. - ۱۹۷۳ در موزه ملی پاکستان موجود است (نوشاهی، ۱۳۶۲).

۵. امیر حسن عابدی می گوید: «زمانی که از ترکیه دیدن می کردم به یک نسخه خطی از کتاب روایح گلشن قطبشاهی که به طرزی زیبا تذهیب و نقاشی شده بود، برخورد کردم (عابدی، امیر حسن، ۱۳۶۷). نگارنده در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه (سبحانی، توفیق، ۱۳۷۳) اثری از این نسخه روایح گلشن قطبشهی ندیدم.

۳،۲. ساختار کتاب

روایح گلشن قطبشهی مرکب از دیباجه و روایح هفتگانه و خاتمه است. الف) دیباجه: الفتی کتاب را با بیان دو سه جمله در ستایش و حمد حضرت باری تعالی آغاز نموده، سپس نعت و وصف پیامبر اکرم (ص) را گفته و پس از آن منقبت علی بن ابی طالب (ع) را آورده است. و بعد از آن عبدالله قطبشاه را به او صافی چون مهرورزی به علی (ع) و آل رسول الله و ترویج آیین تشیع در تلنگانه وصف کرده (همان)، سپس کتاب خود را «روایح گلشن قطبشهی» (همان) نامیده که تاریخ آغاز تصنیف کتاب که به حساب جمل ۱۰۵۱ است از حروف نام کتاب بر می آید:

ر: ۲۰۰ - و: ۶ - ا: ۱ - ی: ۱۰ - ح: ۸ - ک: ۲۰ - ل: ۳۰ - ش: ۳۰۰ - ن: ۵۰ - ق: ۱۰۰ - ط: ۹ - ب: ۲ - ش: ۳۰۰ - ه: ۵ - ی: ۱۰.

ب) متن کتاب: الفتی در رایحهٔ اوّل، عبدالله قطبشاه را در میان جهانیان به پنج صفت ۱. عدل، ۲. وقار، ۳. حُسن خلق، ۴. سخاوت و ۵. شجاعت، یگانه و ممتاز می‌شمارد. در رایحهٔ دوم نخست سراهای شاهی و ابنیه‌ها و نزهتگاه‌های مهم را معرفی می‌کند که از این قرارند:

دروازهٔ شیر دل، جامه‌دارخانه، چار صفه، لعل محل، چندن محل، گگن محل، سجن محل، بنک قدم، دولت محل، ندی محل، بنک بُستانم، حسینی محل، حیدر محل، محمدی محل، الهی محل، امان محل، حیات محل، داد محل. سپس سه تن از دولت مردان دربار عبدالله را معرفی کرده که عبارتند از اوّل نواب علّامی ابن خاتون که در سال ۱۰۳۸ به منصب پیشوایی یا نوابی رسید؛ دوم نواب مدار الهامی میر محمد سعید اردستانی که در ۱۰۴۷ به منصب میرجملگی یا وزارت رسید؛ سوم جناب دبیر الملک. الفتی نام این دبیر را نگفته است اما ممکن است ملا محمد علی دبیر باشد.

در رایحهٔ سوم، حیدرآباد را وصف کرده؛ و آب و هوای لطیف آن را ستوده است. از زیبایی مردمانش، از مساجد و وسعت حوض میرجمله و حمامها و بوستانهای حیدرآباد سخن رانده و گلها و ریاحین و میوه‌های این بوستانها را معرفی کرده است؛ مانند پان، انبه، انناس، شمامه، لیمو، کیله یا موز، شفتالو، انجیر، نارنگی، نارنج، چنجه، زنبق، جنیلی، سوتی، یاسمن، بولسری، رای پیل.

در رایحهٔ چهارم، مجلس شاهی و جشنهایی مانند عید نوروز، عید قربان، عید غدیر، عید پوری (چهارشنبه سوری)، عید مولود پیامبر اکرم، جشن سالگره یا جشن سالگرد تولد عبدالله قطبشاه، جشن شب برات و عید رمضان را وصف می‌کند.

رایحهٔ پنجم در توصیف انبوهی لشکر و دلاوری عسکر و فیلان جنگی و اسبان تازی و رزم ابزارهای سواران عبدالله قطبشاه است.

الفتی در رایحهٔ ششم برای وصف مجلس شادخواری عبدالله، ساقی نامه‌ای در ۵۹ بیت در قالب مثنوی به بحر متقارب مثنی محذوف سروده است و بیت اول و آخرش بدین گونه است:

دلا چند باشی چو غم در خمار سر از جیب مستی چو عشرت بر آر...
به میخانهٔ کام ساغر زند می از دست ساقی کوثر زند

در رایحه هفتم ضمن معرفی روایح گلشن به ستایش وافر از کتاب خود می‌پردازد و می‌گوید: «این گرامی نسخه که ارمغان عالم غیب و تحفه مبدأ فیاض است، بی سرمایه نقد فرصت از سر حد اقلیم آغاز به منزل کشور انجام رسید». و برخی از هنرنمایی‌های خود را بیان می‌کند از قبیل این که «از بینۀ هر رایحه‌اش عدد سُور قرآنی عیان و از زُبر مجموع، نکهت ریاض اعجاز نمایان» می‌گردد و نظم و نثر را به زیبایی در آمیخته و از آرایه‌های گونه‌گون بهره برده و معانی عالی در ضمن واژگان گنجانده است.

در پایان این رایحه، تاریخ اتمام کتاب را که مانند تاریخ آغاز آن ۱۰۵۱ هجری است به حساب جمل در قالب رباعی درج نموده است:

از روی حساب «زیور حسن» سخن [۱۰۵۱] / تاریخ شده چون نام این «رشک چمن»
بنگاشت قلم «بنفشه گلشن روح» [۱۰۵۱] / بنمود ورق «یاسمن فیض» به من [۱۰۵۱]

ج: خاتمه: روایح گلشن، با تذکری با عنوان «لطیفه غیبی» و پنج بیت در دعای ممدوح خاتمه می‌یابد. لطیفه غیبی توضیحی است درباره رابطه عددی تعداد حروف نام «سلطان عبدالله» و لقب وی «قطبشاهان زمان» که هر کدام ۱۲ حرف دارند با مذهب او که شیعه دوازده امامی است.

۳،۳. سبک روایح گلشن قطبشهی

رضیه اکبر (۱۳۵۲) استاد دانشگاه عثمانیه هند، ضمن معرفی مختصر الفتی ساوجی، می‌گوید: روائح گلشن قطب‌شهی در فن سوانح، اثری است از او بس مهم - در ذکر توصیف بناهای شاهی، قصر و عمارات و باغات مانند لعل محل، چندن محل، گگن محل، سجن محل، دروازه قدیم و غیره منظومه‌های طویل و کوتاه از او یادگار مانده است.

چندر شکار، دیگر پژوهشگر هندی، روایح گلشن قطب‌شهی را از نوع شهر آشوب معرفی کرده است (۲۰۱۵). به هر حال روایح گلشن قطبشهی کتابی است در وصف عبدالله قطبشاه و مرکز حکومت وی، که هم «زندگی نامه عبدالله قطب شاه» (Nabi, 2001) محسوب می‌شود هم کتابی در جغرافیای طبیعی و فضای‌های تاریخی حیدرآباد است. الفتی در این کتاب و وصف عبدالله قطب شاه و اختصا صات وی را بهانه کرده و چون اغلب نویسندگان متون مصنوع و فنی، ظاهر سخن را به انواع سجع و جناس و صنایع دیگر آراسته است. لذا نثر کتاب مسجع و آهنگین و پر از جناس و قرینه سازی است. در مواردی نیز برخی

ترکیبات تازه یا کم کاربرد و همچنین اصطلاحات هندی که به محدوده جغرافیایی سرزمین هند مربوط می‌شوند، در آن به چشم می‌خورد» (مؤذنی، ۱۳۹۲). نثر روایح، علی‌رغم این که مصنوع و فنی است اما از لغات غریب و مشکل خالی است و خواننده بدون هیچ مشکلی متن را می‌فهمد لذا نثری دلنشین است.

در این بخش ویژگی‌های سبکی روایح را در سطح زبانی (آوایی، لغوی و نحوی) و ادبی بررسی خواهیم کرد. به سطح فکری نمی‌پردازیم چون الفتی هیچ اندیشه منسجمی را در آن طرح نکرده و صرفاً به تصویر ظواهر و توصیف عمارات و گلها و میوه‌ها و مانند آن پرداخته است. متن روایح گلشن، متنی مصنوع و فنی است که چون دیگر متون مصنوع و فنی «تشبه به شعر می‌کند، جز آن که وزن و آهنگ آن عروضی نیست» (شمیسا، ۱۳۹۶). الفتی از همه تمهیدات نثر مصنوع و فنی مانند تمامی صنایع لفظی و معنوی بدیعی و تشبیه و استعاره بهره برده است اما از برخی اختصاصات نثر فنی بهره بیشتر برده و از برخی نیز چون کاربرد عبارات عربی و لغات غریب و غیر مستعمل به ندرت استفاده کرده و بدین طریق موجب برجستگی متن روایح و تمایز آن از سایر متون فنی شده است که در زیر بدانها اشاره می‌شود.

الف) سطح زبانی

سطح زبانی شامل سه بخش آوایی و لغوی و نحوی است.

۱. **بخش آوایی**، شامل وزن و صنایع لفظی است که به موسیقی سخن یاری می‌رسانند و متن را آهنگین می‌کنند. چنان که گذشت، مهمترین هدف نثر فنی، تشبیه به شعر است. شعر که از منظر منطقیون کلامی مخیل است و از نظر ادبا کلامی موزون و مقفی، بواسطه اموری چون وزن و تمهیدات بدیعی و بیانی مخیل می‌گردد لذا نثر برای تشبیه به شعر ناگزیر از تن سپردن به کمینه یکی از عوامل تخیل است. مهمترین و نخستین مشخصه شعر نیز که هم موجب مخیل شدن آن و هم موجب لذتبخشی و اثرگذاری در مخاطب می‌گردد، موزون بودن است نه استفاده از مصطلحات علوم و آیات و احادیث و اخبار. از این رو نویسندگان نثر فنی با آگاهی کامل از این موضوع، به سوی موزون کردن نثر ره سپرده‌اند. نزدیک‌ترین روش برای موزون ساختن نثر، بهره‌گیری از آرایه‌های ترصیع و موازنه و تضمین المزدوج است و پس از آن بهره‌گیری از دیگر انواع سجع و گونه‌های جناس است.

وزن: روایح گلشن قطبشاهی، متنی است که در پی آرایشهای لفظی و آوایی، پیروی شعر کرده و از لحاظ تنوع وزن و آهنگ برجسته است. الفتی در این متن، دستکاریهای پیدا و پنهان بسیاری نموده که بخش بزرگی از این هنرمندیها ممکن است از چشم خواننده پنهان بماند، اما برخی که به نظر می‌رسد یا نویسنده خود آشکار می‌سازد نشان داده خواهند شد. از بارزترین ویژگیهای روایح، رعایت تناسب لفظی و معنوی در حد اعلی درجه است که موجب تشبیه نسبتاً کامل بسیاری از بخشهای متن از جمله چند جمله نخست به ابیات شعر شده است. بدینگونه:

۱. روح فزایی رایحه گلشن سخن، از هوای ثنای صانعی است که جلوه قامت
سرو را به سلسله جنبانی راست نغمگی فاخته، علم ساخته،
۲. و دلگشایی نکهت گلستان کلام، از نسیم حمد مبدعی است که آتش رخسار
گل را به هنگامه گرم سازی شعله آواز بلبل، سرگرم نموده.
۳. نغمه سرایی مرغ خوش الحان زبان، از آهنگ نعت رسول امت نوازی است که
قانون شریعتش، گوش هوش زمره اسلام را به زمزمه نجات نواخته.
۴. و خوشنویایی عندلیب هزارستان بیان، از سرود منقبت امام دین پروری است که
ارغنون محبتش، سامعه عقیده شعبه شیعه را به ترانه فلاح در عشرت انداخته
(الفتی، ۸۸۲۲).

سطور بالا، شامل چهار جمله مرکب از پایه و پیرواند که در هر چهار، جمله پایه پیش از جمله پیرو آمده است. جملات پایه هم قافیه دارند و هم ردیف اما فقرات دوم هر سجع که جمله پیرو محسوب می‌شوند، فقط قافیه دارند. الفتی به قوافی پایان جملات بسنده نکرده و در اثنای هر فقره نیز از سجعهای متوازی و متوازن بهره برده است. جملات ۱ و ۲ با هم قرینه‌اند و جملات ۳ و ۴ نیز با هم. الفتی در ضمن این که چهار جمله را دو به دو قرینه کرده، و موجب تمایز آنها شده، با ایجاد ترصیع در بخش نخست هر چهار جمله (که زیر آنها خط کشیده‌ایم)، موجب پیوستگی آنها را فراهم کرده تا در عین تمایز از هم، پیوندشان نیز حفظ شود و هر چهار جمله به مثابه شاخه‌های یک تنه واحد باشند. برای افزایش پیوند وزنی و آوایی میان جملات، بخش اول جملات ۱ و ۳ را هم وزن کرده و بخش اول جملات ۲ و ۴ را نیز بر یک وزن نهاده است.

افزون بر این ساختار درختی جملات (یعنی همگونی بخش اول جملات به عنوان تنه)، الفتی در حشو جملات نیز شبکه‌ای از روابط لفظی و معنوی برقرار کرده است؛ به طوری که فی المثل ترکیب «روح فزایی» علاوه بر این که با دلگشایی و نغمه سرایی و خوشنویابی در جملات دوم و سوم و چهارم، دارای سجع است؛ در پیوند با رایحه، جناس اشتقاق ساخته است و در پیوند با هوا و نسیم ایهام تناسب.

شیوه استفاده از ترصیع و موازنه در نثر الفتی متنوع است. گاهی میان فقره اول و سوم و فقرات دوم و چهارم توازن برقرار می‌کند و فقرات نثر را به مصارح شعری در قالب چهارپاره نزدیک می‌نماید و به یاری تکرار فعل، کلام را مردّف می‌سازد، چنان که در فقرات فوق می‌بینیم.

الفتی علاوه بر ایجاد توازن آوایی، از لحاظ نحوی و صرفی نیز فقرات متشابه را در مقابل هم نشانده است. مانند دو جمله زیر که ارکان متوازن را با شماره مشخص کرده‌ایم. در متن زیر فقط ثنا و حمد توازن آوایی ندارند:

«روح فزایی /۱/ رایحه /۲/ گلشن سخن /۳/ از هوای /۴/ ثنای /۵/ صانعی /۶/ است /۷/ که جلوه /۸/ قامت /۹/ سرو /۱۰/ را به سلسله /۱۱/ جنبانی /۱۲/ راست نغمگی /۱۳/ فاخته /۱۴/ علم ساخته /۱۵/،

و دلگشایی /۱/ نکهت /۲/ گلستان کلام /۳/ از نسیم /۴/ حمد /۵/ مبدعی /۶/ است /۷/ که آتش /۸/ رخسار /۹/ گل /۱۰/ را به هنگامه /۱۱/ گرم سازی /۱۲/ شعله آواز /۱۳/ بلبل /۱۴/ سر گرم نموده /۱۵/.

در این دو جمله، شماره‌های ۱، ۶، ۱۱ و ۱۲ دارای سجع متوازی و شماره‌های ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴ و ۱۵ دارای سجع متوازن هستند. حروف ربط و اضافه، و فعل «است» نیز تکرار شده‌اند که می‌توان اینها را در زمره سجع متوازی یا ردیف دانست.

جمله‌های بالا همگی، دارای ساختار دستوری واحدی هستند. جملات پایه، الگوی اسنادی «الف از ب است» را دارند و جملات پیرو نیز دارای الگوی «که (مفید تفسیر) + مفعول + متمم + فعل» هستند.

نویسنده در دو جمله اول از موازنه بیشتر بهره برده است اما در فقرات بعدی این بند، به دنبال برقرار کردن توازن آوایی و صرفی و نحوی کامل با فقرات بالا نیست بلکه نیمی از فقرات زیر با فقرات بالا توازن دارد و نیمی دیگر با هم متوازن شده‌اند یعنی میان فقرات

جدید توازن نحوی و صرفی و آوایی ایجاد کرده است. شماره‌ای که در مقابل قطعات قرار گرفته نشان می‌دهد که با کدام قطعه از جملات فوق تناظر دارند و بخشهایی که زیرشان خط کشیده شده با هم توازن دارند:

نغمه سرایی ۱/ مرغ ۲/ خوش الحان زبان ۳/ از آهنگ ۴/ نعت ۵/ رسول ۶/ امت نوازی [امت نواز افزون بر سجع جملات قبلی است] است ۷/

که قانون شریعتش گوش هوش زمره اسلام را به زمزمه نجاج // نواخته ۱۵/ و خوش نوایی ۱/ عندلیب ۲/ هزار دستان بیان ۳/ از سرود ۴/ منقبت ۵/ امام ۶/ دین پروری است ۷/

که ارغنون محبتش، سامعه عقیده شیعه را به ترانه فلاح // در عشرت انداخته ۱۵/ در فقره بعدی روایح گلشن قطب شاهی، نیز با گونه دیگری از رعایت موازنه و سجع، جهت تشبیه به شعر را می‌بینیم.

می‌نویسد:

بعد از	گل فشانی	معانی رنگین حمد ایزد دادار
و	سمن پاشی	مضامین طراوت آیین نعت احمد مختار
و	سنبل باری	ارقام مشک آگین منقبت حیدر کرار،
	رونق طراز	ریاض بیاض
و	و خرّمی بخش	حدیقه صحیفه می گردد
به	همیشه بهار	مدح
و	بستان افروز	ثنای طراوت فزای گلشن جاه و جلال،
و	غنچه گشایی	چمن فتح و اقبال.

الفتی در پردازش سجع، به برخی قوالب شعری مانند رباعی و مستزاد و غیره نیز نظر داشته است. فقرات زیر مانند مستزاد است:

چون روایح گلشن اخلاق حمیده‌اش که از روح پروری، روح القدس نژاد،
و نسایم چمن اوصاف پسندیده‌اش که از حیات بخشی، مسیحا تبار است؛
همواره دل ارباب فضل را انبساط،
و همیشه جان اصحاب علم را نشاط کرامت می‌فرماید...

بر ذمه فکر لازم دید

و بر گردن اندیشه ثابت یافت

که شمه‌ای از شمیم گلشن و صفش

تقریر کند

و شعبه‌ای از نغمه گلبانگ صیثش

تحریر سازد (همان)

دو نمونه بالا اندکی از بسیار است که برای بیان موزونی نثر الفتی تقدیم یافت.

حرف گرای: شیوه الفتی در کاربرد صنایع بدین گونه است که تعددا چندین مورد از هر آرایه در چند سطر به کار می‌برد تا برجستگی اش کاملا آشکار شود و نصب العین خواننده گردد. شیوه وی در استفاده از حروف و واجها برای تشخیص متن نیز بدان گونه است. حرف گرای از آرایه‌هایی است که هم به زیبایی و تناسب لفظی توجه دارد هم به تناسب معنایی. الفتی از این صنعت به طور آشکارا برای نشان دادن روابط معنایی میان الفاظ بهره برده است از جمله معانی ایهامی و اژگان و تشبیهات حروفی. مانند «سواد عین عدل»، که در این ترکیب هم شکل نوشتاری حرف ع در واژه عدل توجه نموده هم به معنای دیگر عین در معنی چشم توجه کرده و سواد را در معنی مردم گرفته است. در «نقطه قاف وقار» نیز هم به نقطه های حرف ق توجه دارد هم به رابطه میان وقار با کوه قاف که معیار سنگینی و ثبات و استواری است. از این گونه است: دندان سین سخا، مدّ شین شجاعت، لای الا.

طرد و عکس: این صنعت نیز از صنایع دلخواه الفتی است مانند «در معرکه سخنوریش تیغ زبان مانند زبان تیغ بُرا». به حدیث کرمش صدف گوش به مثابه گوش صدف از در لبریز، و به یاد همتش دریای دل، همچو دل دریا گوهر خیز».

تکرار:

«بعد از طی جهان جهان وسعت و عالم عالم فسحت» (همان).

«چمن چمن گل را سایه پرورد تنعم ساخته» (همان).

«هر که سر تسلیم به سجود گذاشت مخزن مخزن جواهر حسنات ذخیره گذاشت و هر که

دست اخلاص به دعا برداشت خرمن خرمن حاصل ثواب برداشت» (همان).

«به جاروب شهبال از گلهای شپنه آسمان آسمان انجم افشان؛ و از گرد عطریات ختن ختن

مشکک پاش» (همان).

«هنگام تحریر توصیفش به چمنِ صفحه غنچه نقطه گل گل شکفته و ... نهال الف سرو سرو قد کشیده» (همان).

سیاقه‌الاعداد: «زبان که در فن بدیع بیان یکتاست، هر چند چارچار گویی نماید ثلثی از توصیف و ربّعی از تعریف چارصفه که چار فصلی است از سال سلطنت لایزال و چهار چمنی است از ریاض دولت بی زوال ادا نمی‌تواند نمود» (همان).
«یکه سواران ایات یگه‌اش شش جهت راه اعتراض بر ده عقل بسته و فقرات نثره نثار نثرش نیرین را همچو خمسه متحیره متحیر ساخته» (همان).

«از روایح سبعة این گلشن، جهات سته قلمرو سخن، نکهستان گشته» (همان).

۲. بخش لغوی: واژگانی که الفتی در روایح به کار برده واژگان رایج در دوره صفوی است. این واژگان دو گونه‌اند: یکی واژگان و اصطلاحات و ترکیبات رایج در زبان فارسی مانند نواسنج، نوا طراز، نغمه پرداز، راست مزگی، میر جمله، بغل گیری، انجمن طراز، تفنگ؛

دیگر واژگان و اصطلاحات رایج در حیدرآباد است. این گونه اخیر اغلب شامل اسامی گیاهان و گلها و نام جایها و نام جشنها و اصطلاحات نظامی و دیوانی است که در متون فارسی نویسندگان ساکن ایران مستعمل نیست. برخی از این اسامی در معرفی رایحه‌های سوم و چهارم گذشت اما برخی دیگر از این قرار است: کنتی (سان دیدن از سپاه)، شب پهره (نگهبان شب)، چوکی (پا سبان)، پوری (جشن چهارشنبه سوری)، سالگره (جشن سالگرد تولد).

۳. بخش نحوی:

تتابع اضافات و ترکیب سازی: الفتی می‌گوید که روایح را با شتاب فراوان و در زمانی کوتاه نوشته است: «این گرامی نسخه که ارمغان عالم غیب و تحفه مبدأ فیاض است، بی سرمایه نقد فرصت از سر حد اقلیم آغاز به منزل کشور انجام رسید» (همان). بی‌تابی و شتاب نویسنده هنگام نگارش کتاب، در ساختار جملات نیز راه یافته و متن را طوری ساخته است که باید با شتاب خوانده شود. وقتی که چندین کلمه به طور متوالی به هم اضافه می‌شوند و علاوه بر این جمله نیز طولانی می‌شود، سرعت سیر خواننده و شتاب خوانش متن بیشتر می‌شود، زیرا از یکسو ناگزیر است کلمه‌ها را بدون وقفه به هم اضافه کند و از سوی دیگر به سبب دور بودن فعل، باید با شتاب بخواند تا بتواند به فعل برسد. الفتی خود از

شتاب خوانش متن آگاه است لذا برای این که لگام توسن متن را اندکی بکشد و رامش گرداند و از سبکی آن بکاهد و بر کوبندگی گامهایش بیفزاید؛ قرینه‌های بلند و ترکیبهای چند کلمه‌ای را با مصوت‌های بلند در آمیخته است. مصوت‌های بلند که درون این ترکیبها قرار دارند، از شتاب و سبکی رفتار متن می‌کاهند و آن را به اوج می‌برند و بر استواری آن می‌افزایند.

یکی از ویژگی‌های بارز سبکی الفتی، که البته ویژگی سبک دوره نیز هست، ایجاد ترکیب‌هایی با بیش از دو سه کلمه است مانند:

روح فزایی رایحه گلشن سخن، دلگشایی نکهت گلستان کلام، نغمه سرایی مرغ خوش الحان زبان، پیک عالم گرد نگاه، سیر خیابان جنان، عکس سواد حروفش، جام جهان نمای دیده، آینه روضه رضوان، نور معانی روشن، علو پایه سخن، دقیقه شناسان بلندفطرت، سپهر عالم فکرت، غیرت فزای صفحه آسمان، رشک فرمای الفاظ بروج، داغ نه نقاط انجم، مشام یعقوب جان نکته سنجان عاشق سخن، نکهت پیرهن یوسف معنی، گوش مجنون دل دقیقه شناسان ادا فهم.

الفتی در ساختار بسیاری از این ترکیبها، از ترکیبهای وصفی و اضافی مقلوب بهره برده است. مانند «طراوت آیین، نشاط آیین، صفت پردازی، نصرت قرین، فیروز لشکر، رونق طراز، سعادت هوا، والا خطاب، عالی القاب، عرش اقتدار، شیرین بیان، زبردست نواز، کف آسمان صدف، خورشید روی، کف بحر صدف، بلند پرواز، فارغ بال، عرش آستانه، نفایس امتعه».

ترکیب سازی در نثر امکان بیشتری دارد ولی در شعر سخت تر است. برای همین الفتی در اشعارش ترکیب سازی نمی‌کند.

ب) سطح ادبی: با آن که الفتی پایه روایح گلشن قطبشهی را بر نثر نهاده است اما به فراوانی از اشعار خود نیز در آن بهره برده است که بسامد آنها بدین گونه است: مثنوی: ۲۷۲ بیت، قصیده: ۱۴۰ بیت، قطعه: ۶۰ بیت، رباعی: ۲۲ بیت، فرد: ۱۹ بیت، غزل: ۶ بیت، مجموعاً ۵۱۹ بیت. البته سه بیت عربی هم از اشعار دیگران در متن گنجانده است.

۱. آرایه‌های علم بیان

تشبیه و استعاره: الفتی تشبیه‌ها و استعاره‌ها را بیشتر در ساختار اضافی به کار می‌برد مانند گلشنِ سخن، گلستانِ کلام، آتشِ رخسارِ گل، شعله‌ آوازِ بلبل، گردن اندیشه، حوصله خواهش، دماغ سپهر، عذار مهر. نمونه‌های بیشتر را در بخش ترکیب‌سازی می‌توان دید. الفتی به تشبیه‌گرایی بیشتر دارد تا استعاره، زیرا به یاری تشبیه می‌توان در وصف چیزی یا کسی از او صاف و ویژگی‌های نا شناخته و غیر متعارف سخن گفت ولی استعاره بیشتر برای بیان اوصاف و شاخصه‌های غالب و نمادین و مستعمل به کار می‌آید و اوصاف تازه را اگر در ساختار استعاره بیان کنند دریافت مفهوم برای خواننده مشکل خواهد بود اما در تشبیه با نقل وجه شبه، دریافت معنی آسانتر می‌شود.

کنایه: الفتی از کنایه نیز بهره برده است اما کنایه پرداز نیست. برخی از کنایات عبارتند از کیسه خواهش دوختن، سر و چشم آب دادن، شوخ چشم، پهلو بر چیزی زدن، آب از سر گذشتن، پا به دامن کشیدن، آب به روی کار چیزی آوردن، سر بر آسمان فرو نیوردن، چیزی را به باد دادن، پنجه کسی را تاباندن.

۲. آرایه‌های بدیع معنوی

مراعات نظیر: الفتی از مراعات نظیر برای ایجاد تناسب بسیار استفاده کرده است. از آن جمله است: بعد از گل فشانی معانی رنگین حمد ایزد دادار و سمن پاشی مضامین طراوت آیین نعت احمد مختار و سنبل باری ارقام مشک آگین منقبت حیدر کرار، رونق طراز ریاض بیاض و خرّمی بخش حدیقه صحیفه می‌گردد، به همیشه بهار مدح و بستان افروز ثنای طراوت فزای گلشن جاه و جلال، و غنچه گشایی چمن فتح و اقبال (همان).

تضاد: الفتی از آرایه تضاد به انحاء مختلف و به صورت گسترده بهره برده است. گاهی کلماتی را که از لحاظ معنایی در تقابلند به کار برده است مانند «بالا» و «زیر» در عبارت «جدا چنگ همّت بالادست زبردست نوازش که افتادگان حسیض مذلت را به صد آب روی عزت از خاک برداشته» (همان). وسعت و تنگ در «یقین که وسعت مشرب، پوزش پذیری نموده تنگ گیری نمی‌نماید» (همان).

گاهی نیز عناصری را که از لحاظ موقعیت جغرافیایی در تقابلند به کار برده است. مانند آب و خاک در نمونه بالا و افلاک و زمین در «الهی تا عرصه افلاک، میدان جلوه طرازی کواکب؛ و مرکز خاک، مکان ترکنازی مواکب است؛ بساط زمین معسکر جنود نصرت قرین و مسخر جیوش ظفر آیین این پادشاه گردون جاه انجم سپاه باد» (همان).

نتیجه گیری

الفتی ساوجی از شاعران شیعی سده یازدهم هجری است که از سال ۱۰۴۵ هجری تا پایان سلطنت عبدالله قطبشاه (۱۰۸۳) حدود ۳۸ سال در دربار وی شاعری و نویسندگی کرده و دو رساله «ریاض الصنائع قطبشاهی» و «روایح گلشن قطبشهی» و مقداری شعر از آثار اوست. الفتی پس از مرگ سلطان عبدالله به اصفهان آمده و در میان سالهای ۱۰۸۷ تا ۱۰۹۰ در گذشته و احتمالاً در همان شهر به خاک سپرده شده است. روایح گلشن قطبشهی، از آثار الفتی ساوجی است نه الفتی یزدی؛ زیرا الفتی یزدی در خدمت علیقلی خان زمان (مقتول در ۹۷۴ هجری) از امرای اکبری به سر می برد و بعد از قتل ممدوحش، در همان سال یا سال بعد، یعنی ۴۸ یا ۴۹ سال قبل از تولد عبدالله قطبشاه و ۷۶ یا ۷۷ سال قبل از تألیف روایح گلشن قطبشهی (۱۰۵۱) از دنیا رفته بود. افزون بر این شواهد تاریخی، شباهتهای سبکی روایح گلشن با ریاض الصنائع نیز نشان می دهد که مؤلف هر دو اثر یک نفر است. الفتی ساوجی روایح گلشن را به سبک متون مصنوع و فنی نگاشته است جز آن که از کلمات ساده و رایج بهره برده و از عبارت و اشعار عربی جز در سه مورد استفاده نکرده و گرد تشبیهات و استعارات غریب و عبارات ثقیل نگشته. از عمده اختصاصات سبکی آن می توان به موارد زیر اشاره کرد. در بخش آوایی، توجه اصلی الفتی به موسیقی کلام است لذا موزونی جملات هدف اصلی اوست. وی برای ایجاد توازن آوایی به طور گسترده از صنعت تضمین المزدوج بهره برده است به گونه ای که بخشهایی از متن به ابیات شعر نزدیک شده است. گاهی اوقات برخی قرینه های بلند و کوتاه به گونه ای در کنار هم آمده اند که به قالبهایی چون مستزاد و رباعی همانند شده اند. طرد و عکس، حرف گرایی و تکرار و سیاقه اعداد از دیگر صنایعی هستند که در بخش آوایی بسامد بالایی دارند و موجب افزونی قابلیت موسیقایی متن شده اند. تنابع اضافات، از دیگر ویژگی های متن روایح است که هم در بخش آوایی قابل بحث است

هم در بخش نحوی. در بخش نحوی، الفتی به ترکیب سازی، اعم از ترکیبهای وصفی و اضافی مقلوب توجه خاص دارد، لذا اغلب تشبیهها و استعارهها را نیز در ساخت اضافی به کار برده است. الفتی از میان آرایه‌های بیانی بیشتر از تشبیه سپس استعاره و پس از آن از کنایه استفاده کرده است. از میان آرایه‌های بدیع معنوی نیز به ایجاد تناسب با بهره‌گیری از مراعات نظیر و تضاد بیشتر توجه کرده است.

تعارض منافع
تعارض منافع ندارم.

In Press

ORCID

Ali Reza Sha'banlu  <http://orcid.org/0000-0002-2094-8005>

منابع

- آرزو، سراج الدین علی خان. (۱۳۸۳). *مجمع النفائس*. جلد اول. به کوشش زیب النساء علی خان. اسلام آباد پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- اکبر، رضیه. (۱۳۵۲). «نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو قطب شاهی (هند جنوبی)». *وحید*. ۳، ۳۰۹-۳۰۲.
- الفتی یزدی. (۱۳۹۱). «روایح گلشن قطبشاهی»، به کوشش فرشته کوشکی. *پیام بهارستان*، ۱۶، ۶۱۵-۵۷۶.
- الهی، امیر سعید. (۱۳۸۱). «روابط قطب شاهیان هند با پادشاهان صفوی»، *تاریخ روابط خارجی*، ۱۱، ۵۴-۴۱.
- بصری، محمد صادق و همکاران. (۱۳۹۹). «الفتی ساوجی و آثار او»، *متن شناسی ادب فارسی*، شماره دوم، صص ۱۸-۱.
- خوشگو، بندرابن داس. *سقیه خوشگو*. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ۴۰۳.
- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). «تاریخ نویسی فارسی در دوره قطب شاهیان»، *نشریه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران*، ۳، ۱۳۶-۱۲۱.
- رادفر، ابوالقاسم و همکاران. (۱۳۹۷). *فرهنگ شاعران، طرح پژوهشی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سبحانی، توفیق. (۱۳۷۳). *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۶). *تاریخ تطور نثر فارسی*. تهران: سمت.
- صاعدی شیرازی، نظام الدین احمد بن عبدالله. (۱۹۶۱). *حدیقه السلاطین*، به تصحیح و تحشی سید علی اصغر بلگرامی، حیدرآباد. دکن.
- صبا، مولوی محمد مظفر حسین. (۱۳۴۳). *تذکره روز روشن*. به تصحیح محمد حسین رکن زاده آدمیت. تهران: کتابخانه رازی.
- صوفی ملکپوری، محمد عبدالجبار خان. (۱۳۲۹ق = ۱۲۹۰ش). *محبوب الزمن تذکره شعرای دکن*. حیدرآباد: مطبع رحمانی.
- عابدی، امیر حسن. (۱۳۶۷). «زبان و ادبیات فارسی در هند»، *در نامواره دکتر محمود افشار*، جلد ۴، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۸۵۷.
- قادری، سید محی الدین. (۱۳۸۶). *میر محمد مؤمن استرآبادی، مروج تشیع در جنوب هند*. مترجم: عون علی جاروی. قم: نشر مورخ.

گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). *کاروان هند*، جلد ۱. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
مؤذنی، علی محمد. (۱۳۹۲)، «روایح گلشن قطب شاهی»، *دانشنامه زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره*، جلد ۳، ۴۶۹-۴۷۰.

نصرآبادی، میرزا طاهر. (۱۳۱۷). *تذکره نصرآبادی*. مصحح: حسن وحید دستگردی. تهران: ارمغان.
نوشاهی، عارف. (۱۳۶۲). *فهرست نسخه‌های خطی موزه ملی پاکستان*. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

References

- Abedi, A. H. (1988). "Persian Language and Literature in India", in Memoir of Dr. Mahmoud Afshar, Volume 4, by Iraj Afshar, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Yazdi Endowment Foundation. 1857. [In Persian]
- Akbar, R. (1973). The influence of Persian language and literature in the realm of the imperial pole (South India). *Vahid*, 3. 302-309. [In Persian]
- Arezu, S. (2004). *Majma' Al- Nafa'es*. By effort of Zib Al- Nesa Ali Khan. Islamabad. Iran – Pakistan Institute of Persian Studies. [In Persian]
- Basiri, M. S. et al. (2020). "Ol-Fati Savoiji and his works", *Matn shenasi-e- Adab-e- Farsi*. 2.1-18. [In Persian]
- Chander shekhar (2015). *Rawaih Gulshan i Qutbshahi: A Lesser Known Persian Work on the City of Hyderabad and Qutbshahi Buildings*. In the *Studies in History*, Volume: 31 issue: 1, page(s): 115-121.
- Elahi, A.S. (2002). The relations of the Qutb Shahi dynasty of India with the Safavid kings ", *History of Foreign Relations*. 11.41-54. [In Persian]
- Golchin ma'ani, A. (1990). *Caravan of India*, Volume ۱. Tehran: Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Nabi. H. (2001), *History of Indo Persian Literature*, Iran culture house, new delhi.
- Khoshgu, Bandaribn-e- Das. *Safine-e- Khoshgu*. Manuscript of the Library of the Islamic Parliament of Iran. 403. [In Persian]
- Mangeli, M. (2012). *Persian literature and culture of the qutbshahi and the safavid periods a comparative study*, School of Computational and Integrative Sciences, Jawaharlal Nehru University, Thesis.
- Muezzin, A. M. (2013), "Ravayeh-e- Golshan-e- Qutb Shahi", *Encyclopedia of Persian Language and Literature in the Subcontinent*, Volume 3. 469-470. [In Persian]
- Nasrabadi, M. T. (1938). *Tazkereh-e- Nasrabadi*. Editor: Hassan Vahid Dastgerdi. Tehran: Armağan. [In Persian]
- Nazneen (2015) *Critical Edition of "Ravaeh-e-Gulshan-e-Qutab Shahi" of Ulfati Saoji*. Supervisor: Dr. Rajinder Kumar. Th 21330.
- Noshahi, A. (1983). *List of Manuscripts of the National Museum of Pakistan*. Islamabad: Iran - Pakistan Institute of Persian Studies. [In Persian]

- Olfati yazdi. (2012). Ravaeh-e-Gulshan-e-Qutab Shahi. By effort of Fereshteh kushki. Payam- e- Baharestan. 16. 576-615. [In Persian]
- Qaderi, S. M. (2007). Mir Mohammad Mo'men Astarabadi, the promoter of Shiism in southern India. Translator: Awn Ali Jaravi. Qom: Movarrekh. [In Persian]
- Radfar, A. (2002). "Persian Historiography in the Qutb Shahian Period", Journal of the Department of History, University of Tehran. 3. 121.136. [In Persian]
- Radfar, A. et al. (2017). Dictionary of poets, research project. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Saba, M. (1964). Tazkareh- e- Ruz-e- rawshan. Edited by Mohammad Hussein Roknzadeh Adamiyat. Tehran: Razi. [In Persian]
- Saedi Shirazi, N. (1961). Hadiqa al-Salatain, edited by Seyyed Ali Asghar Belgrami, Hyderabad. [In Persian]
- Shamisa, S. (2017). History of Persian prose evolution. Tehran: Samt. [In Persian]
- Sobhani, T. (1994). List of Persian manuscripts in Turkish libraries. Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- Sufi Melkapuri, M. (1911). Mahbub al-zaman. Hyderabad: Rahmani Press.